

از جمله اشعار نسبت داده شده به امام علی علیه السلام

داروی تو در توست و نگاه نمی کنی.

وبیماریت از توست و احساس نمی کنی.

آیا گمان می کنی که پیکر کوچکی هستی؟

درحالی که درتو دنیای بزرگ تری پیچیده شده.

مردم یکسانند.

مردم از نظر پدران یکسانند. پدرشان (حضرت) آدم علیه السلام و مادر (حضرت) حواء علیه السلام است.

وارزش هرانسانی به چیزی است که آن را به خوبی انجام دهد و مردان (منظور انسان است) با کارها نام ها دارند.

پس به وسیله ی دانش رستگار شو و بآن جانشینی مطلب (مخواه). پس (زیرا) مردم مردگانند و اهل دانش (دانایان) زندگانند.

سرافرازی (افتخار) به پاکدامنی است.

ای کسی که از روی نادانی به اصل و نسب افتخار می کنی (ای افتخار کننده از روی جهل به اصل و نسب)

مردم فقط از یک مادر و پدر هستند.

آیا آن ها را دیدی (دریافتی که آن ها) که از نقره یا آهن یا مس یا طلایی آفریده شدند؟

بلکه آن ها را می بینی (درمی یابی که آن ها) که از تکه گلی آفریده شدند.

آیا به جز گوشت ، استخوان و پی (عصبی) هستند؟

افتخار فقط برای خردی پابرجا، شرم و خجالت ، پاکدامنی و ادب است.

ص. ۴ / حول النص

۱. داروی ما در ماست و ما به آن نگاه می کنیم و بیماری ما از ماست و ما آن را احساس می کنیم. نادرست

۲. افتخار به خرد، شرم و خجالت ، پاکدامنی و ادب است. صحیح

۳. جوینده ی دانش در بین نادانان شبیه مرده است. نادرست

۴. ارزش هرانسانی به کارهای خوبش است. صحیح

۵. افتخار کردن به اصل و نسب پسندیده است. نادرست

الدرس الثاني(ص. ۱۷) / الوجه النافع و الوجه المضر / رُویه ی سودمند و رُویه ی زیان بار

"قطعاً کسانی که ایمان آوردند و کارهای نیکو انجام دادند [بدانند] مسلماً ماپاداش کسی که نیکوکاری کرد را تباه نمی کنیم."

در سال ۱۸۳۳ پسر بچه ای در کشور سوئد متولد شد که "آلفرد نوبل" نامیده شد. پدرش کارخانه ای برای ساخت ماده ی "نیترو گلیسرین"

مایع که حتی با حرارت کم زود منفجر می شود، برپاداشته بود.

آلفرد از کوچکی به این ماده اهمیت داد و برای بهینه سازیش با کوشش کار کرد تا مانع از انفجارش شود. آزمایشگاه کوچکی ساخت تا

تجربه هایش را در آن اجرا کند (به اجرا بگذارد) ، اما متأسفانه آزمایشگاه منفجر شد و بر سر برادر کوچک ترش ویران شد و او را کشت. این

اتفاق عزم او را ضعیف نکرد، پس با پشتکار به کارش ادامه داد تا این که توانست ماده ی "دینامیت" را که جز با اراده ی انسان اختراع

نمی شود، اختراع کند. بعد از این که دینامیت را اختراع کرد، رئیس شرکت های ساخت (ساخت و ساز) و معادن و نیروهای مسلح که مشتاق به کارگیری آن بودند، به خریدن آن روی آوردند، پس دینامیت در تمام نقاط دنیا منتشر شد. آلفرد به ساختن ده ها کارگاه و کارخانه در بیست کشور اقدام کرد و از آن طریق ثروت بسیار انبوهی به دست آورد تا این که از ثروتمندترین ثروتمندان جهان شد.

انسان از این ماده استفاده کرده است و در کندن تونل ها و شکافتن کانال ها و ساخت راه ها و کندن معادن و دگرگونی کوه ها و تپه ها به دشت های قابل کشت، کارهای دشوارش را آسان کرده است.

از جمله کارهای بزرگ که از طریق این ماده انجام شد، انفجار زمین در در کانال "پاناما" با مقدار کمی دینامیت بود که به چهل تن رسید. پس از این که نوبل دینامیت را اختراع کرد، جنگ ها زیاد شد و وسائل (ابزار) کشتار و ویرانی با این ماده افزایش یافت، اگرچه هدفش از اختراع آن کمک به انسان در زمینه ی آباد کردن و ساخت بود.

یکی از روزنامه های فرانسوی هنگام مرگ برادر دیگرش عنوان اشتباهی را منتشر کرد: "آلفرد نوبل تاجر مرگ که از طریق ایجاد راه هایی برای کشتن تعداد زیادی از مردم ثروتمند شد، مُرد." نوبل از این خبر احساس گناه و ناامیدی کرد، و ناراحت ماند و ترسید که مردم پس از مرگش او را به بدی یاد کنند. به همین دلیل مؤسسه ای برای بخشیدن جایزه های معروف به "جایزه ی نوبل" بنیان نهاد. و ثروت هایش را برای خرید جایزه های طلا معروف به "جایزه ی نوبل" بخشید. این جایزه هر سال به کسی که در زمینه های صلح، شیمی، فیزیک، پزشکی، ادبیات و غیره که مشخص کرده به بشریت سود رساند، داده می شود (یا: این جایزه هر سال به کسی اهدا می شود که در زمینه هایی که آن را مشخص کرده به بشریت سود می رساند، و آن عبارت است از: ..) اما آیا امروزه این جایزه ها به کسی که سزاوارش است، داده می شود؟ هر اختراع علمی و هر نوآوری در تکنیک (فناوری) دورویه دارد: رویه ی سودمند و رویه ی زیانبار. و بر انسان دانا واجب است که از رویه ی سودمند استفاده کند (بهره ببرد).

ص. ۲۲

أ. ۱. الخروب؛ ۲. المنجم؛ ۳. والد؛ ۴. أخيه الأصغر؛ ۵. سنة؛ ۶. عشرين

ب. ۱. اختراع دینامیت در آسان سازی کارهای سخت، مانند حفرتونل ها و شکافتن کانال ها تأثیری نداشت. غیر صحیح

۲. نوبل ترسید که مردم پس از مرگش او را به بدی یاد کنند؛ بنابراین سازمان "جایزه ی نوبل" را بنیان نهاد. صحیح

۳. کسانی که در خلال سال های گذشته جوایز نوبل به دست آوردند، همگی شایسته ی آن بودند. غیر صحیح

۴. هر اختراع علمی و نوآوری در تکنیک، یک رویه ی سودمند و یک رویه ی زیان بار دارد. صحیح

۵. اختراعات نوین، بشر را برای آسان سازی کارهای زندگی کمک کرده است. صحیح

۶. هدف نوبل از اختراع دینامیت گسترش جنگ ها بود. غیر صحیح

الدرس الثالث (ص. ۳۳) / ثلاث قصص قصيرة (بتصرف) (سه داستان کوتاه - بانندگی تغییر)

۱. احترام گذاشتن به کودکان

روزی مردی نزد فرستاده ی خدا حضرت پیامبر که درود سلام خدا بر او خواندانش باد نشسته بود. پس از چند لحظه پسرش آمد و به حضرت پیامبر که درود سلام خدا بر او خواندانش باد سلام کرد سپس نزد پدرش رفت، پدر او را بوسید و او را نزد خود نشاند. فرستاده ی خدا که درود سلام خدا بر او خواندانش باد از کارش خوشحال شدند. پس از مدت کمی دخترش آمد و به حضرت پیامبر که درود سلام خدا بر او خواندانش باد سلام کرد سپس نزد پدرش رفت، اما پدر او را نبوسید و نزد خود نشاند. فرستاده ی خدا که درود سلام خدا بر او خواندانش باد وقتی او را دیدند که جز پسرش را نبوسید (فقط پسرش را بوسید)،

آزرده شدند و فرمودند: "چرا بین کودکان فرق می گذاری؟! آن مرد پیشیمان شد و دست دخترش را گرفت و اورا بوسید و اورا نزد خود نشانده.

۲. شیماء دختر حلیمه

فرستاده ی خدا حضرت پیامبر که درودوسلام خدا بر او و خاندانش باد یک خواهر شیرینی (رضاعی) به نام شیماء داشت. شیماء در حالی که کودک بود حضرت پیامبر که درودوسلام خدا بر او و خاندانش باد را در آغوش می گرفت و با او بازی می کرد و می گفت :

پروردگارا محمد (ص) را برای ما نگهدار تا اورا نوجوان و جوان ببینم

حضرت پیامبر که درودوسلام خدا بر او و خاندانش باد در کودکی بسیار به او وابسته بود ؛ روزگار سپری شد و در جنگ (غزوه ی) خنین در سال هشتم پس از هجرت، شیماء به دست مسلمانان اسیر شد؛ به آن ها گفت: "به قطع یقین من خواهر شیرینی حضرت پیامبر که درودوسلام خدا بر او و خاندانش باد هستم.."; پس سخنش را باور نکردند و اورا نزد فرستاده ی خدا که درودوسلام خدا بر او و خاندانش باد بردند ، پس حضرت اورا شناختند و اورا گرامی داشتند و روپوش بلندشان را برایش گستراندند (پهن کردند) ؛ سپس اورا روی آن نشانده و اورا بین ماندن با ایشان با احترام (محترمانه) یا بازگشت به سوی قومش در عین سلامتی و خوشنودی اختیار دادند، پس شیماء قومش را انتخاب کرد، پس فرستاده ی خدا که درودوسلام خدا بر او و خاندانش باد اورا آزاد کردند و با احترام اورا به سمت قومش فرستادند.

پس اسلام آورد (مسلمان شد) و از برادرش دفاع کرد و قومش را به اسلام فراخواند و اخلاق حضرت پیامبر که درودوسلام خدا بر او و خاندانش باد را برایشان روشن ساخت و (آن ها) مسلمان شدند .

"پس به خاطر رحمتی از طرف خدا برای آن ها نرم خوشی و اگر تندخو و سنگدل بودی ، مسلماً از دورت (اطرافت) پراکنده می شدند."

آل عمران/ ۱۵۹

۳. پیر مرد نیکوکار

روزی "خسرو انوشیروان" کشاورز پیری را مشاهده کرد که نهال گردویی را می کاشت، پس تعجب کرد و گفت: " ای کشاورز، آیا امید داری که زنده بمانی تا از میوه اش بخوری؟! آیا نمی دانی که معمولاً جز (مگر) بعد از ده سال میوه نمی دهد (فقط بعد از ده سال میوه می دهد)؟! "

پیر مرد گفت : دیگران درختانی کاشتند و ما از میوه هایش خوردیم ، و مادر ختانی می کاریم تا دیگران از میوه هایش بخورند. انوشیروان گفت : " آفرین ای پیر مرد! " و دستور داد که به آن کشاورز هزار دینار داده شود (بدهند) .

آن کشاورز پیر با خوشحالی گفت: "میوه دادن این درخت چه شتابان است!"

انوشیروان از سخنش خوشش آمد و برای بار دوم دستور داد تا هزار دینار دیگر به او داده شود (بدهند).

"هیچ مردی (شخصی) نیست که نهالی را بکارد مگر این که خداوند به اندازه ی میوه ای که از آن نهال خارج می شود، برای او پاداش

می نویسد." حضرت فرستاده ی خدا که درودوسلام خدا بر او و خاندانش باد

حول النص :

أ.

۱. قالت الشیماء للمسلمین : "انی لأختُ النبی صلی الله علیه و آله و سلم من الرضاعة."

۲. أمر أنوشیروان أن یعطی له ألفی دینار.

۳. إنزعج رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم حين رأى ذلك الرجل لم یقبل إلا ابنه .

۴. كان یغرس الفلأح العجوز فسسیلة جوز .

۵. قَبْلَ الْوَالِدِ فِي الْبِدَايَةِ ابْنَهُ .

۶. كَانَتْ الشَّيْمَاءُ أُخْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلِمَ مِنَ الرِّضَاعَةِ .

ب.

۱. اگر حضرت پیامبر که در دوسلام خدا بر او و خاندانش باد تندخو بودند مسلماً مردم از اطرافشان پراکنده می شدند. صحیح

۲. توجه به کاشتن درختان بر هر کدام از ما واجب است. صحیح

۳. انوشیروان یکی از شاهان ایران در صدسال پیش بود. غیر صحیح

۴. شیماء پس از آزاد شدنش قبیلش را به اسلام دعوت کرد. صحیح

۵. درخت گردو معمولاً بعد از دو سال میوه می دهد. غیر صحیح

۶. حضرت پیامبر که در دوسلام خدا بر او و خاندانش باد کودکان را دوست می داشت. صحیح

الدرس الرابع (ص. ۷۴) / انظام الطبيعة (نظام) (طبیعت)

تبادل طبیعت چه زیباست! خداوند برای آن نظامی آفرید که بر تمام موجودات از گیاهان و حیوان و موجودات دیگر که از یکدیگر تغذیه می کنند، حکومت کند، در نتیجه تبادل و آرامش و ثبات در آن تحقق می یابد. و هرگونه ناهماهنگی در نظم آن به ویران کردن و مرگ کسی که در آن است منجر می شود.

از جمله تهدیدکنندگان نظم طبیعت :

- آلودگی هوا که باعث باران های اسیدی می شود.
- زیاده روی در به کارگیری حشره کش های کشاورزی و کودهای شیمیایی
- ایجاد زباله های صنعتی و خانگی

تبادل در طبیعت از راه وجود روابط کاملاً درهم تنیده بین موجودات زنده و محیط زیستشان انجام می پذیرد، اما انسان در فعالیت هایش که موجب به هم خوردن این تبادل می شود، نسبت به طبیعت چقدر ستمگر است !

اینک باید این داستان را به طور دقیق بخوانیم تا بر کارهای ویرانگر انسان برای محیط زیست آگاهی یابیم.

حکایت می شود که کشاورزی مزرعه (کشتزار) بزرگی داشت که در آن سبزیجات و درختان زیادی بود و در کشتزارش انواع پرندگان را پرورش می داد. روزی کشاورز ملاحظه کرد که تعداد جوجه های پرندگان به تدریج (کم کم) کم می شود. کشاورز شروع به فکر کردن در مورد علت آن و مراقبت شبانه روزی از مزرعه کرد و دریافت که تعدادی از جغدها (چندجغد) نزدیک مزرعه زندگی می کنند و به جوجه ها حمله می کنند و آن ها را می خورند. پس کشاورز تصمیم گرفت که از آن ها رهایی یابد و این چنین عمل کرد (همان کار را کرد).

پس از چندماه کشاورز مشاهده کرد که سبزیجات مزرعه در معرض خوردن و تباهی قرار می گیرد و وقتی که مسأله را به شدت مراقبت کرد (هنگامی که به شدت مراقب موضوع بود) دریافت که مجموعه ی بزرگی از موش های کشتزار به سبزیجات حمله می کنند و آن ها را می خورند.

کشاورز شروع به اندیشیدن کرد: " چرا تعداد موش های کشتزار بسیار زیاد شد؟ "

پس نزد کارشناس کشاورز رفت و از او مشورت خواست (با او مشورت کرد). کارشناس به او گفت: " آن چطور ممکن است؟ در حالی که جغدهای بسیاری در منطقه ی شما وجود دارند. "

کشاورز به او گفت: " من با کشتن تعداد زیادی از جغدها از آن ها رهایی یافتم. "

کارشناس گفت: " چه کار ویرانگری نسبت به (برای) طبیعت! تو مانند ستمگران به نظام طبیعت دست درازی کردی. زیرا جغدها علاوه بر جوجه ها از موش های کشتزار تغذیه می کردند. پس از رهایی از بیشتر جغدها تعداد موش های کشتزار افزایش یافت. بر تو واجب بود (تو می باید) این اشتباه را با مراقبت از پرندگان اصلاح می کردی نه با کشتن جغدها؛ پس اگر اوضاع این طور ادامه یابد، مشکلات جدیدی را در محیط زیستی که در آن زندگی می کنی با درناکی مشاهده خواهی کرد. "

و کشاورز این چنین تصمیم گرفت که از جوجه ها مراقبت کند و به جغدها اجازه ی ورود به مزرعه اش را بدهد . پس تعدادشان یک بار دیگر زیاد شد و موش های کشتزار را خوردند و محیط زیست به حالت طبیعی برگشت.

ص. ۵۲ / حول النص / أ

۱. روابط درهم تنیده بین موجودات زنده و محیط زیستشان منجر به ناهماهنگی تعادل در طبیعت می شود. صحیح
۲. آن کشاورز مزرعه ای در شمال ایران داشت که در آن برنج می کاشت. نادرست
۳. کشاورز گمان کرد که این جغدها هستند که جوجه های پرندگان را می خورند. نادرست
۴. کشاورز به روباهان اجازه نداد که به مزرعه اش وارد شوند. نادرست
۵. کشاورز پرندگان و جغدها را در مزرعه اش پرورش می داد. نادرست
۶. سرانجام کشاورز از پرندگان و جوجه هایشان مراقبت کرد. صحیح
۷. زباله های صنعتی تهدیدی برای نظم طبیعت به شمار می روند. صحیح

ص. ۵۳ / حول النص / ب

۱. شهور / پس از چند ماه کشاورز مشاهده کرد که سبزیجات مزرعه دستخوش خوردن و تباهی می شود.
۲. الفئران / گروه بزرگی از موش ها به سبزیجات حمله می کردند و آن ها را می خوردند.
۳. التوازن / زندگی حیوانات از یکدیگر (تغذیه ی حیوانات از همدیگر) به وجود آوردن تعادل طبیعت را محقق می سازد.
۴. موت / هرگونه آسیبی در نظم (نظام) طبیعت، به ویران سازی آن و مرگ هرکس در آن است منجر می شود.
۵. یهدد / ایجاد زباله های صنعتی و خانگی، نظم (نظام) طبیعت را تهدید می کند.
۶. اختلال / دخالت انسان در امور طبیعت، به برهم خوردن تعادل آن منجر می شود.
۷. قتل / کشاورز، طبیعت را در کشتزارش با کشتن جغدهای آن تهدید کرد.

الدرس الخامس (ص. ۶۱) / يا إلهي (ای خدای من)

ای خدای من، ای خدای من، ای اجابت کننده (برآورنده) ی دعاها
امروز را خوشبخت (خوش اقبال) و پربرکت بگردان (قرار بده).
سینه را از شادمانی و دهانم را از لبخندها پر کن (سینه را پر از خوشحالی و دهانم را پر از لبخندها کن).
و مرا در درس هایم و انجام تکالیف کمک کن.
و عقلم و قلبم را با دانش های سودمند نورانی کن.
و موفقیت را اقبال و بهره ی من در زندگی قرار بده.
و دنیا را پر از صلحی کامل و فراگیر نما.
و مرا و سرزمینم (کشورم) را از پیشامدهای بد نگهداری کن.

ص. ۶۳ / حول النص

۱. موفقیت در آزمون های پایان سال // ما أراده الشاعر حسب النص.
۲. خوشبختی و پربرکتی // أراده الشاعر حسب النص.

۳. خریدن خانه ای جدید و بزرگ // ماأراده الشاعر حَسَبَ النَّصِّ.
۴. روشن کردن قلب و عقل // اراده الشاعر حَسَبَ النَّصِّ.
۵. کمک کردن در درس ها // اراده الشاعر حَسَبَ النَّصِّ.
۶. شاد شدن سینه(دل) // اراده الشاعر حَسَبَ النَّصِّ.
۷. بهبودی بیماران // ماأراده الشاعر حَسَبَ النَّصِّ.
۸. زیادی مال ها // ماأراده الشاعر حَسَبَ النَّصِّ.
۹. طولانی شدن عمر // ماأراده الشاعر حَسَبَ النَّصِّ.

ص. ۶۷ / التمرین الأول

۱. کسی که دعا را می پذیرد و آن از نام های پاک خداوند است . : المُجِيب
۲. بسیار احساس شادی و خوشحالی کردن : اِنْشِرَاح
۳. خنده ی آرام و بدون صدا : بَسْمَة
۴. در آن نوری قرار داد : اَنَارَ
۵. کمک و یاری کرد : اَعَانَ

موقفات إن شاء الله

